

مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)

علیرضا پیروزمند

عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم اسلامی

محمد خورشیدی*

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی

دفاع ملی

چکیده

ارائه یک پارادایم الهی در پاسخ به سیطره تمدنی غرب در جهان اسلام نیازمند حرکت به سمت ساخت تمدن نوین اسلامی است. برای نیل بدین مهم، تبیین علمی و ایجاد گفتمان تمدنی با تمییز مؤلفه‌های اثرگذار در تمدن‌سازی اسلامی ضروری بوده و چنانچه مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی مجموعه‌ای از عوامل منسجم است که با ترکیب مطلوب و تنظیم روابط منطقی آن‌ها با یکدیگر شبکه روابط عناصر در نظام تمدنی را شکل می‌دهد، در این تحقیق با رویکرد اکتشافی- آمیخته ضمن بررسی ادبیات نظری، در بخش کیفی با روش تحلیل محتوا و انجام مصاحبه با ۱۱ تن از خبرگان، مؤلفه‌های اصلی بُعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی با عناوین؛ حکومت‌مداری اسلامی، بین‌الملل اسلامی، جامعه کارآمد اسلامی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نظام‌سازی اسلامی از طریق تهیه پرسشنامه و پیمایش خبرگی میان ۵۰ نفر از جامعه آماری (با فرض $N=n$ به کمک فنون آمار استنباطی مانند آزمون تی یک نمونه، آزمون تحلیل عاملی و آزمون فریدمن با بهره‌گیری از نرم‌افزار Spss در بخش کمی تحقیق مورد اعتبارسنجی و اولویت‌بندی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تمدن، تمدن اسلامی، تمدن‌سازی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، بعد ساختاری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۲

* (نویسنده مسئول: mhkhoshidi@chmail.ir)

مقدمه

پرداختن به مباحث تمدن سازی اسلامی از این جهت حائز اهمیت می باشد که در جهان بینی اسلامی دو رکن اساسی انسان سازی و تمدن سازی جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی، درخششی بی بدیل دارد. قرآن کریم هدف از بعثت رسولان را انسان سازی^۱ به عنوان نیل به هدف خلقت دانسته و از این رو تمدن سازی جهت ایجاد فضای مناسب برای تحقق انسان سازی اهمیت دارد چراکه غایت تمدن اسلامی، رساندن بشر به حیات طیبه و قرب الهی است. از طرفی وجود ظرفیت های بی بدیل اسلامی در ابعاد گوناگون مبین قدرت تمدن سازی اسلام در ابعاد جهانی است. بررسی تاریخ تمدن اسلامی نشان می دهد این «تمدن برخلاف تمدن های مشابه دیگر، اولین تمدنی است که می توان نام جهانی بر آن گذاشت چراکه تاریخ بیانگر آن است که «دنیای اسلام، در قرون وسطا نسبت به مسیحیت راه بهتری جهت رسیدن به تمدن عصر جدید عرضه کرده است» (لوئیس^۲، ۱۳۸۴، ص ۱۷-۱۳). لذا دکتر نصر در مصاحبه ای که حدود پنج سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایراد کرد، چنین می گوید: «تمدن اسلامی یکی از درخشان ترین و جهانی ترین و پربارترین تمدن ها بوده و هست؛ چون هنوز زنده است و نمی توان به اشتباه-چنان که بعضی غربی ها تصور می کنند-آن را فقط به عنوان میراث گذشته، تلقی کرد» (نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۸۹). به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت اداره شود.^۳ تمدن اسلامی ناظر به تمام شئون جامعه اسلامی در ابعاد جهانی بوده و ضامن تعالی انسان در عرصه های مختلف مادی و معنوی می باشد. با عنایت به شکست مکاتب فکری مختلف، همچنین با ناامیدی جهان از نظام لیبرال دموکراسی^۴ به خصوص در آمریکا به عنوان مدعی ایجاد نظم نوین جهانی با شعار جهانی سازی لازم است جهت خروج از سیطره تمدنی غرب، با نظریه سازی در باب تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه های لازم در پاسخ مطلوب به

۱. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد.)، جمعه ۲/

۲. Bernard Lewis

۳. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹.

۴. Liberal democracy

نیاز امروز دنیا در قالب یک پارادایم الهی ارائه گردد.

زندگی انسان امروز، رویکرد جهانی و تمدنی به خود گرفته و چون مکتب اسلام یک دین آسمانی با آموزه‌های جهان‌شمول و با ظرفیت تمدن‌سازی در ابعاد جهانی است، به تبع آن تمدن اسلامی در واقع یک سیستم برای زندگی فردی و اجتماعی پیشنهاد می‌کند که برای تحقق آن نیاز به دانش تمدنی داریم و یکی از الزامات آن، تبیین علمی برآورد مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی به‌ویژه در بُعد ساختاری خواهد بود. در این راستا لازمه گسترش و قوام یک فرهنگ، جهانی‌شدن آن است و اگر فرهنگی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند، قابلیت جامعه‌سازی خود را از دست داده و به لایه‌های درونی و فردی فرو کاسته خواهد شد (عرفان، ۱۳۹۳، ص ۶۸). لذا پرداختن به مباحث تمدن‌سازی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی از این جهت که شرط بقاء انقلاب اسلامی و به تبع آن حفظ و صیانت از فرهنگ اسلامی در فرایند تمدن‌سازی است حائز اهمیت خواهد بود. چراکه در فرهنگ‌های غالب، فرهنگی که نتواند امتداد تمدنی برای خودش ایجاد نماید، جهانی نشده و اگر نتوان الگوی تمدن‌سازی اسلامی را ترسیم نمود، در موازنه تقابل با دنیای غرب در بلندمدت شکست‌خورده و عدم درک بنیان‌های نظری تمدن‌سازی اسلامی سبب اضمحلال رویکرد تمدنی جوامع اسلامی و غلبه تمدن غرب بر ملت‌های مسلمان خواهد بود. بنابراین با توجه به ابتناء تمدن اسلامی بر وحی و آموزه‌های الهی وجود ظرفیت‌های بی‌نظیر اسلامی برای تمدن‌سازی، لازم است با تبیین علمی و گفتمان‌سازی تمدنی، زمینه‌های لازم جهت نیل به تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. در این تحقیق دغدغه نگارنده بر آن است که چه مؤلفه‌هایی در بُعد ساختاری برای تمدن‌سازی اسلامی لازم است؟

مبانی نظری تحقیق

مفهوم شناسی

تمدن: تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. در نظر توین‌بی^۱ تمدن‌ها نظام‌هایی پیچیده‌اند با کلیتی درهم‌تنیده که اجزایشان با یکدیگر در ارتباط بوده و عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن ضمن توجه به یک کل واحد در تناسب

1 . Arnold Joseph Toynbee

باهمند(پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۴۳۶). ویل دورانت^۱ تمدن را این گونه توصیف می کند: «مجموعه بزرگی از نظام های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و...) که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در برمی گیرد و فرهنگی واحد بر تمامی اجزای آن سیطره دارد» (دورانت، ۱۳۸۴، ص ۲۵۶). تافلر^۲ هم تمدن را این گونه تعریف می کند: «مجموعه ای از کاروندها و دستاوردهای مادی و معنوی است که انسان ها در راستای شکوفاسازی و در مسیر سامان دادن به زندگی خویش ایجاد می کنند. به گفته وی هیچ واژه دیگری این همه موضوعات گوناگون مانند تکنولوژی، زندگی خانوادگی، مذهب، فرهنگ، سیاست، تجارت، سلسله مراتب، رهبری، ارزش ها، اخلاق جنسی و معرفت شناسی را به شایستگی در بر نمی گیرد» (تافلر، ۱۳۷۶، ص ۲۹). در واقع «تمدن مجموعه ای از پدیده های اجتماعی است که قابل انتقال بوده و جنبه های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی - علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می گیرد» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۲۱). «فرهنگ شناسانی مثل کلاکھون^۳، کروبر^۴، کلیفورد گیرتز^۵، ریموند ویلیامز^۶ نیز تمدن را مترادف با فرهنگ و مجموعه ای از آداب، سنن، رسوم، باورها، ارزش ها، رفتار و شیوه زیستن، شکل های دین داری، نهادهای اجتماعی، اقتصاد، سیاست، حقوق، هنر، فلسفه، شعر و ادبیات و ایدئولوژی می دانند» (همتی، ۱۳۹۰). به تعبیر علامه جعفری «تمدن تشکّل هماهنگ انسان ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت است» (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱). با جمع بندی تعاریف پیش گفته، تمدن را می توان به شکل زیر تعریف نمود:

ظهور و بروز جنبه مادی و عینی جوامع است که ریشه در فرهنگ آن داشته و با خاستگاهی عقلانی در عرصه سبک زندگی و تنظیم نظام های اجتماعی شامل نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر خرده نظام ها بروز نموده و بر اساس نظام مقبول، جهت رسیدن به مطلوب ها می باشد.

تمدن اسلامی: از آنجاکه دین اسلام مجموعه ای از باورهای اساسی مبتنی بر توحید می باشد، شکل دهنده ارزش ها و ارائه دهنده هنجارها برای جهت دهی به رفتارها و نمادهاست و می تواند برای

-
- 1 . William James Durant
 - 2 . Alvin Toffler
 - 3 . Kluckhohn
 - 4 . Kroeber
 - 5 . Clifford Geertz
 - 6 . Raymond Williams

افراد، نظام عقیدتی مشترکی را به وجود آورد تا از این راه، هویت فرهنگی مشترک تحقیق‌یابد. کارکرد این نظام عقیدتی، معنابخشی به واقعیت‌هاست که به‌واسطه قاعده‌مند کردن مفاهیم عام هستی صورت می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان از معرفتی دینی سخن راند که منبعی از معانی غایی است؛ عناصر فرهنگی و اجتماعی متنوع را به یکدیگر پیوند می‌زند و هویت و همبستگی را فراهم می‌نماید (Williams, 2005:89). از این رو در تعریف تمدن اسلامی باید گفت: «تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (جان احمدی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). در واقع «تمدن اسلامی محصول آبیاری زمینه‌های مستعد اقوام و ملل گوناگون با آب حیات‌بخش دین محمدی بود» (خاکرند، ۱۳۹۰، ص ۷۰). تمدن اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب «آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت»^۱ با لحاظ مطالب پیش‌گفته می‌توان اذعان داشت، تمدن اسلامی علاوه بر استقرار در یک سیر تاریخی مشخص، دارای نظام‌هایی مبتنی بر دین اسلام بوده و عبارت است از:

شرایط و محیط عینی نظام‌های دست‌ساز برآمده از دین اسلام در عرصه‌های گوناگون علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نیز تولید فن‌آوری و محصولات که در پی رفع نیازهای اساسی جامعه به شکل معقول و متوازن در همه ابعاد است تا سبب پیشرفت مادی و تعالی معنوی انسان‌ها گردد.

تمدن‌سازی اسلامی: تمدن‌سازی اسلامی یعنی پیشرفت همه‌جانبه در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه با تأکید بر عنصر حرکت و تعالی که شامل تمام ابعاد مادی و معنوی انسان‌ها می‌گردد.^۲ تمدن‌سازی اسلامی، تنها به دنبال اسلامی کردن جنبه‌های عینی، عملی و تاکتیکی جامعه نیست که با تصرف حکومت توسط افراد مؤمن بتوان آن را به دست آورد (مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۵، ص ۵)، بلکه در تمدن‌سازی اسلامی علاوه بر ایجاد حکومت اسلامی و پرداختن به جنبه‌های عینی و مادی جامعه، نیاز به اسلامی نمودن جنبه‌های ذهنی، فرهنگی و معنوی

۱. بیانات معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با جوانان خراسان شمالی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳

تمدن به عنوان سازه‌های اصلی تمدن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز می‌باشد. در تمدن‌سازی اسلامی، نگاه جامع به تعالی بخشی در تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او لحاظ شده است لذا «تمدن نوین اسلامی می‌تواند با شاخصه ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که از ارکان تمدن امروزیین غرب‌اند، باشد»^۱. بنابراین می‌توان گفت؛ نتیجه تمدن‌سازی اسلامی باید موجب ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی شود که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۴۳). با این وصف می‌توان گفت:

تمدن‌سازی اسلامی یعنی طراحی و ساخت تدریجی و مشارکتی شرایط عینی زیست مؤنانه انسان‌ها بر اساس الگوهای جدید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ایجاد پیشرفت مادی، بعد معنوی انسان‌ها را نیز به سوی تعالی و سعادت رهنمون می‌سازد.

پیشینه‌شناسی

درزمینه تمدن‌سازی اسلامی برخی تحقیقات مانند «ظرفیت‌های سیاسی جهان اسلام برای تمدن نوین اسلامی» (ره‌دار، ۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازای تمدن نوین اسلامی» (شجاعی، ۱۳۹۵)، «ظرفیت‌شناسی رویکردهای فکری، فرهنگی آموزه مهدویت پس‌از آن انقلاب در تحقق تمدن اسلامی» (برزویی، ۱۳۹۴)، به ظرفیت‌های اسلام، مهدویت و جهان اسلام برای تمدن‌سازی اسلامی اشاره داشته‌اند و در برخی تحقیقات نظیر چالش‌های (ساختاری هویتی) تمدن نوین اسلامی و نقش ایران در کاهش و رفع آن (زمانی‌محجوب، ۱۳۹۴)، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴)، «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی» (ملاشاهی، ۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی» (زن‌گویی و دیگران، ۱۳۹۴) به بررسی قواعد، الزامات و موانع تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. البته در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان» (غفاری هاشجین و خاکی، ۱۳۹۴)، مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از

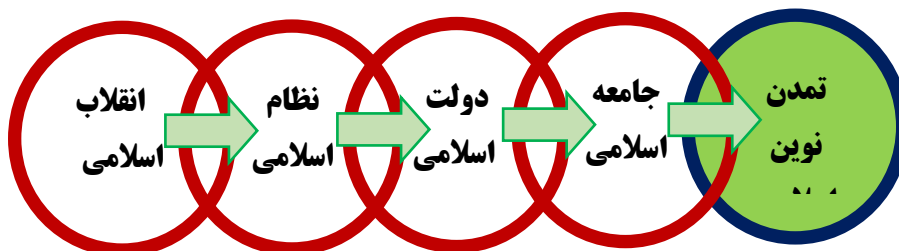
۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۹۲/۲/۹

منظر متفکران تمدن‌گرا به دو دسته مؤلفه‌های حقیقی (سبک زندگی و شبکه روابط اجتماعی مبتنی بر تعالیم اسلامی) و مؤلفه‌های ابزاری (سامان مادی و مواردی چون: ابتکارات، ابزارها، نهادها، اقتدار سیاسی و بین‌المللی) تقسیم‌بندی شده است. همچنین در مقاله‌های «مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی - ایرانی» (زمانی، ۱۳۹۰)، «مهندسی تمدن اسلامی از منظر سید منیرالدین حسینی الهاشمی» (جمالی، ۱۳۹۳)، «عناصر تمدن ساز دین اسلام» (وحیدی منش، ۱۳۸۶)، «نوسازی تمدن اسلامی» (زمانی محبوب، ۱۳۹۵)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳) نیز به برخی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی اشاره شده که در اغلب آن‌ها به صورت محدود و خارج از بررسی بُعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی، مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمناً در برخی مقالات مرور شده، روش تحقیق به صورت نظام‌مند برای رسیدن به نتایج مورد نظر وجود نداشته که در این پژوهش برآورد مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی با استفاده از روش تحقیق آمیخته صورت گرفته است.

چارچوب نظری

به دلیل ماهیت تمدن و جلوه‌های عینی آن در قالب نظام‌های اجتماعی، بررسی مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی در قالب آنچه که مرحوم دکتر میرزایی اهرنجانی در مدل سه‌شاخگی (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶) بیان داشته، می‌تواند مجموعه‌ای از عوامل منسجم باشد که با ترکیب مطلوب و تنظیم روابط منطقی آن‌ها با یکدیگر، شبکه روابط عناصر در نظام تمدنی را شکل می‌دهد. البته احصاء مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی به علت رویکرد آینده‌محور بودن آن، ناظر به فرایند تمدن‌سازی اسلامی نیز می‌باشد چراکه فرایند تمدن‌سازی دربردارنده نوعی جهان‌شمولی است و «می‌توان جهان‌شمول شدن را فرایندی ساختار ساز به شمار آورد که همسان و ناهمسان‌سازی را توأمان در برمی‌گیرد. فرایندی که طی آن، عوامل فعال، در توالی‌های زمانی مختلف، متقابلاً به ربط و تغییر در ساختارهای حیات اجتماعی می‌پردازند تا جهانی با حکومت خواص ولی به هم پیوسته بیافرینند» (مولانا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹). در واقع به دلیل ماهیت آینده‌پژوهی و فرایندی تمدن‌سازی، مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی نیز ماهیت فرایندی پیدا می‌کنند. زیرا مجموعه‌ای از عناصر ساختاریافته می‌تواند در یک فرایند قرار داشته باشد. به عبارت دیگر در تمدن‌سازی اسلامی، ساختار مبتنی بر فرایند لحاظ شده و چون این فرایند در بستر زمان به صورت به هم پیوسته شکل

می‌گیرد می‌توان آن را به‌نوعی ساختار تمدنی با رویکرد آینده‌پژوهی در نظر گرفت. لذا نمودار ذیل، گویای چارچوب نظری تحقیق است که مبین فرایند ساختاری تمدن جدید اسلامی می‌باشد.



نمودار ۱: چارچوب نظری تحقیق

انقلاب اسلامی: گرچه برخی صاحب‌نظران مانند سید حسین نصر به مرحله تمدنی بدون انقلاب و نظام سیاسی فکر می‌کنند. لیکن معلوم نیست اندیشمندانی مانند وی برای تمدن‌سازی اسلامی چه راهکاری ارائه می‌دهند (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۷-۲۲۶). البته وقوع انقلاب اسلامی به معنای احیای تمدن اسلامی نیست، بلکه مقدمه احیای تمدن اسلامی است (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۹). انقلاب اسلامی به خاطر رویکرد خاصش به «عالم غیب و غیب عالم» با مبانی نظری تمدن غرب که صرفاً به ماده و مادیات نظر دارد تعارض داشته و صرفاً در صدد مذمت ابتدال غرب نیست بلکه به‌طور کلی «جبهه مدنیت غرب» را نپذیرفته و عامل گذار از مدرنیته به تمدن اسلامی است (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴-۱۳). امروز که شاهد تسلط تمدن غربی بر بسیاری از ملت‌های مسلمان هستیم و اینکه تمدن غرب داعیه جهانی‌شدن دارد، به‌مراتب تشکیل تمدن اسلامی سخت‌تر از تمدن اسلامی در صدر اسلام می‌باشد چراکه در آن زمان تمدن زنده مدعی وجود نداشت و تماماً رو به انحطاط بودند. لذا نیاز است ساختار شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با انقلاب آغاز گردد و الا مانند برخی کشورهای اسلامی تنها ظواهر اسلامی در جامعه وجود داشته ولی حکومت‌ها سرسپرده سیاست‌های غرب هستند. به‌بیان‌دیگر این کشورها مانند انقلاب اسلامی نتوانسته‌اند از «جوهر افول‌یابنده تمدن غربی» (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱) در درون خود بهره ببرند. آنچه هم در انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد «فقط این نبود که دگرگونی‌ای در داخل کشور ایجاد کند؛ علاوه بر این، یک فرهنگ خلق کرد؛ فرهنگی که در همه کشورهای اسلامی به‌طور متفاوت - در بعضی کشورها خیلی شدید، در بعضی کشورها باشد کمتر- اثر خودش را در ذهن‌ها، به‌خصوص ذهن جوانان و روشنفکران و دانشگاہیان گذاشت... و به‌مرور تفکر اسلامی، فکر بیداری اسلامی و بازگشت و تمسک به اسلام، در ذهن‌ها به‌صورت اندیشه‌ای

ماندگار درآمده است.^۱ بنابراین انقلاب اسلامی دارای محتوای غنی تمدنی با پیام بزرگ برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان یعنی احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی است^۲ تا زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد.

نظام سازی اسلامی: پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نیاز به نظام سازی اسلامی است چراکه هر تمدنی دارای نظام‌های اجتماعی متعددی می‌باشد که اساساً همین نظام‌ها هستند که تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازند، مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ و تحت سیطره فرهنگی خاص (مثلاً فرهنگ اسلامی در تمدن اسلامی) تعیین‌بخش می‌باشند (مشکانی سبزواری و الویری، ۱۳۹۰). نظام^۳ واژه استعاری برای حکومت یا سبک حکومت است؛ مجموعه عناصری که به شکل معینی پیوند می‌یابند و یک نوع کل واحد را به وجود می‌آورند یا عبارت است از اجتماع اصول و قواعد مربوط به یک موضوع و مرتبط به هم به شکلی که تشکیل یک نظریه یا مکتب را بدهد (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۶، ص ۶۸۱). هیچ تمدنی بدون نظام سازی یا همان «طرز مهندسی اجتماعی» (پیروزمند، ۱۳۹۰) قادر به ادامه حیات نخواهد بود و چنانچه در جوامع اسلامی در جهت نظام سازی اقدام نشود شاهد تسری و تسلط نظام‌های وارداتی خواهیم بود که با مبانی اسلامی در تضاد خواهد بود. بنابراین ساخت نظام اسلامی از جمله اقدامات بنیادین برای نیل به سمت تمدن سازی اسلامی بوده و قوانین این نظام مبتنی بر آموزه‌های الهی است و این قوانین در حال حاضر به نحو کامل در اسلام وجود دارد.

نظام اسلامی مبین هندسه عمومی جامعه است با وصف اسلامیت است^۴ که ترتیب اداره کشور بر مبنای اسلام انجام شده به نحوی که منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور، همچنین ارکان حکومت - قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضاییه و دیگر ارکان بر مبنای آموزه‌های اسلامی چیده شد و قانون اساسی همه آن‌ها را تثبیت می‌نماید.^۵

۱. بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۲

۲. بیانات معظم له در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۴

۳. System

۴. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۱

۵. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۴/۶/۸

فقدان توجه کافی به مسئله نظام سازی در برخی کشورهای اسلامی که موفق به گذر از مرحله انقلاب شده بودند، سبب گردید تا انقلاب‌های مذکور به نتیجه لازم نرسند. البته نظام سازی فرایندی است که برای انجام و تکمیل آن زمان طولانی لازم است و به تعبیری: «نظام سازی یک امر دفعی و یک‌باره نیست، نظام سازی یک امر جاری است، روزبه‌روز بایستی تکمیل شود؛ متمیم شود.»^۱ لذا برای نظام سازی نیازمند استفاده از تجارب بشری برای کشف معادلات و روابط جدید بر پایه دین هستیم.

دولت اسلامی: وجود دولت اسلامی در حکومت دینی از اهمیت ویژه‌ای برای ساخت تمدن نوین اسلامی برخوردار است. چراکه فلسفه وجودی حکومت‌ها در جوامع، ایجاد نظم و قانون است تا در سایه آن، مردمان بتوانند ضمن بهره‌مندی از حقوق اساسی خود، نقش تمدن سازی خود را در نظام حکومتی مربوطه ایفا نمایند. لذا تمدن‌ها بدون حکومت شکل نمی‌گیرند و هیچ تمدنی بدون حکومت و قدرت وجود نداشته است. عوامل حکومت به رشد تمدن کمک می‌کند (بروجردی، ۱۳۸۸: ۹۵). «بنا به عقیده ابن خلدون، دولت‌ها، سازندگان تمدن محسوب می‌شوند و عمران، تابعی از ملک است و به شدت تابع قدرت است و زمانی که یک دولت - آن هم یک دولت دینی از بین سه دولت مد نظر او^۲ - به حد رشد برسد، توانایی ایجاد یک تمدن نوین را خواهد داشت» (بهمن، ۱۳۹۱، ص ۳۵). تافلر هم رکن اساسی ایجاد یک تمدن را دولت و حکومت می‌داند (تافلر، ۱۳۷۰، ص ۴۵۱). در واقع حکومت‌ها سبب ایجاد فضای امن برای شکل‌گیری و اعتلای تمدن‌ها می‌شوند. در تاریخ اسلام هرگاه حکومت‌های اسلامی از اقتدار و جهان اسلام از وحدت- و لو نسبی- برخوردار بودند، تمدن اسلامی رو به اوج می‌نهاد. مثلاً در دوران سه دولت مقتدر صفویه در ایران، گورکانیان در هند، عثمانی در آسیای صغیر، پس از یک دوره رکود نسبی در تمدن اسلامی در اثر حمله مغول و دیگر عوامل، باز شاهد رونق تمدن اسلامی به‌ویژه در برخی حوزه‌ها مانند معماری و هنر هستیم (زمانی محجوب، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸).

بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی «حکومت اسلامی باید در تمامی ابعاد بر پایه قوانینی که خداوند توسط پیامبر خود فرو فرستاده است، تأسیس گردد. دولتی که چنین حکومتی را اداره می‌کند از آنجاکه به‌عنوان یک سازمان سیاسی موظف به اجرای شریعت الهی است، مادامی که به این

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۷

۲. حکومت "سیاسة الدینیة، سیاسة العقلیة، سیاسة المدنیة"

وظیفه عمل می‌کند، لازم الإطاعه است» (Mawdudi, 1968, p20).

البته منظور از حکومت در این مرحله از تمدن‌سازی، نوع رفتار حکمرانان در نظام حکومتی و دولتی برای اداره امور جامعه اسلامی خواهد بود تا در نهایت منجر به شکل‌گیری جامعه اسلامی نیز بشود. به عبارتی حکومت اسلامی به‌تنهایی قادر بر ایجاد تمدن نوین اسلامی نخواهد نمود بلکه پس از آن می‌بایست نسبت به دولت‌سازی اسلامی نیز اقدام نمود. دولت‌سازی اسلامی در اندیشه امام خاتمه‌ای (مدظله‌العالی) دارای دو رکن است؛ انطباق اخلاق و رفتار و منش کارگزاران و ویژگی‌های مسئولان با ارزش‌های اسلامی و دولت به معنای عام آن است. یعنی تمام قوای سه‌گانه و رهبری^۱ و شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی.^۲ به تعبیر معظم له مسئولان دولت باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به‌سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند.^۳ ایشان ویژگی دولت اسلامی را دولتی برمی‌شمارند که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد.^۴

جامعه اسلامی: در مرحله بعد برای تمدن‌سازی اسلامی نیازمند ایجاد یک جامعه کارآمد اسلامی هستیم که در آن روابط اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تنظیم شده است. در واقع نظام کلان اجتماعی را باید الگوی روابط متقابل و منظم حاکم بر جمعی از انسان‌های دارای هدف مشترک و برخوردار از رهبری و مدیریت مرکزی واحد دانست که در آن نوع روابط متقابل جامعه مورد تأکید است. به تعبیر برودل اگر جامعه‌ای بجوشد و تغییر نماید، تمدن آن جامعه هم می‌جوشد و دگرگون می‌گردد (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۳۸۹). تنها مؤلفه‌ای که در تمدن‌سازی نمی‌توان آن را از جای دیگر وام گرفت، بینش‌ها و گرایش‌ها و توانایی‌های آحاد جامعه اسلامی است که مبین سطح کیفی تمدن اسلامی بوده و به تبع آن، نظام‌ها و ابزارهای مورد نیاز آن نیز تولید می‌گردد. برای همین است که

۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۴/۶/۸

۳. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۴/۶/۸

۴. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۸

تناسب جامعه با انسان‌های پرورش‌یافته در فرهنگ اسلامی با حضور فعال و آگاهانه در آن به‌عنوان یکی از مراحل فرایندی تمدن‌سازی نسبت مستقیم دارد. لذا در تمدن‌سازی اسلامی چنانچه میزان فرهیختگی افراد جامعه در ابعاد مختلف با محوریت آموزه‌های اسلامی و رویکردی مشارکت‌جویانه عجین شده باشد از جهت ساختاری امکان تحقق تمدن نوین اسلامی سهل‌تر خواهد بود.

به تعبیر رهبری معظم انقلاب جامعه کارآمد اسلامی یعنی جامعه‌ای که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ ... [که] به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد.^۱ همچنین با مذاقه در بیانات امام خمینی (ره) می‌توان یافت که یکی از مؤلفه‌های مهم جهت تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی جامعه‌سازی اسلامی و تشکیل یک جامعه الگوست. لذا ایشان معتقدند نظم جدید عالم را ابتدا می‌بایست در یک جامعه الگو پیاده‌سازی نمود (اکبری، ۱۳۹۲، ص ۳۶-۳۵). از این رو «امت اسلامی باید امروز در دنیا به برکت اسلام آن‌چنان باشد که مثل مشعلی راه بشریت را روشن کند؛ مثل خورشیدی بر بشریت بتابد و به آن‌ها خیر برساند؛... آن جامعه اسلامی که باید «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۲ باشد؛ آن جامعه اسلامی که باید «يَذْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ»^۳ باشد؛ آن جامعه اسلامی که باید پیشرو بشریت در همه خیرات باشد، این‌گونه است. آن جامعه اسلامی که باید پرتوی از «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۴ را داشته باشد، با وضع فعلی جهان اسلام و امت اسلامی فاصله دارد.^۵ به هر ترتیب، جامعه انسانی الگو نیاز اساسی در ساخت تمدن نوین اسلامی بوده و برای ساخت آن، پرورش منابع انسانی فرهیخته از مهم‌ترین لوازم آن است.

روش‌شناسی

رویکرد این تحقیق یک رویکرد اکتشافی - آمیخته بوده که ترکیبی از روش‌های تحقیق کمی و

۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۸

۲. بقره/۱۴۳

۳. آل عمران/۱۰۴

۴. منافقون/۸

۵. بیانات معظم له در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۹

کیفی است. ادبیات مورد نیاز تحقیق با استفاده کلیه منابع، متون، تحقیقات معتبر در دسترس و دربردارنده ادبیات نظری موجود اندیشمندان، مدارک و اسناد مرتبط با موضوع تمدن‌سازی اسلامی و همچنین نظرات خبرگان شامل اساتید و محققان حوزه و دانشگاه، محققان مراکز، مؤسسات و پژوهشگاه‌هایی که در حوزه تمدن‌سازی آثار بوده‌اند، به دست آمده است. در روش کیفی ضمن بررسی اسناد و متون با تکنیک فیش‌برداری، مصاحبه تخصصی با ۱۷ تن از خبرگان صورت گرفته و با استفاده از روش تحلیل محتوا مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی به دست آمده است. در روش کمی تحقیق نیز از طریق پیمایش خبرگی و تهیه پرسشنامه، برای اعتبارسنجی، تعیین اهمیت و اولویت‌بندی هریک از مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی اقدام شده است. داده‌های مورد نیاز نیز با ابزار پرسشنامه بسته پنج‌گزینه‌ای (مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت) جمع‌آوری و پس از انجام مطالعات و بررسی‌های لازم، ابزار سنجش ابتدایی (پرسشنامه) در دو بخش جداگانه و متناسب با متغیرهای تحقیق تهیه سپس به کمک استادان خبره، پرسشنامه نهایی تدوین و در اختیار بیش از ۷۰ نفر از جامعه خبرگان قرار گرفت که موفق به اخذ ۵۰ پرسشنامه شدیم. همچنین گویه‌های پرسشنامه با استفاده از فنون تحلیل آمار استنباطی متفاوت نظیر آزمون T یک‌نمونه‌ای، توزیع دوجمله‌ای، تحلیل عاملی و آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

بر اساس ادبیات نظری پیش‌گفته و مصاحبه با ۱۷ تن از خبرگان اهم مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی به شرح ذیل احصاء گردیدند:

جدول ۱: تحلیل توصیفی پرسشنامه

بعد	مؤلفه‌ها	فراوانی مشاهده شده				
		۱	۲	۳	۴	۵
ساختاری	وجود جریان انقلاب اسلامی در جامعه	۰	۰	۸	۱۶	۲۶
	ایجاد نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه	۰	۳	۶	۱۸	۲۶
	وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی	۰	۰	۵	۱۴	۳۱
	وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی	۰	۰	۵	۱۴	۳۱
	وجود بین‌الملل اسلامی	۰	۲	۵	۱۱	۳۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود از نظر جامعه خبرگی مؤثرترین مؤلفه بُعد ساختاری تمدن سازی اسلامی وجود حکومت اسلامی و جامعه کارآمد اسلامی مبتنی بر قوانین اسلامی بوده و بعد از آن مؤلفه‌های دیگر در بُعد ساختاری تمدن سازی اسلامی مؤثر می‌باشند.

تحلیل‌های استنباطی گویه‌های پرسشنامه

داده‌های جمع‌آوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای این منظور فرضیاتی به شرح زیر تدوین و با استفاده از آزمون T یک‌نمونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. قبل از انجام آزمون یادشده، به منظور حصول اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌های به دست آمده از طریق پرسشنامه، آزمون کولموگروف-اسمرینوف انجام گردید که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد. برای این منظور فرضیه‌ای به شکل زیر مطرح و سپس مورد آزمون قرار گرفت.

H0: توزیع داده‌های متغیرها نرمال است.

H1: توزیع داده‌های متغیرها نرمال نیست.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمرینوف گویه‌های پرسشنامه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار K-S محاسبه شده	سطح معناداری	نتیجه آزمون
بعد ساختاری تمدن سازی اسلامی	4048/4	51031/	125/	053/	نرمال نیست

آزمون مرتبط با بررسی اهمیت بُعد ساختاری تمدن سازی اسلامی

H0: مؤلفه‌های ساختاری تمدن سازی اسلامی مستقل از بُعد ساختاری است.

H1: مؤلفه‌های ساختاری تمدن سازی اسلامی در بُعد ساختاری دارای اهمیت است.

جدول ۳: آزمون Binomeal: اهمیت بُعد ساختاری تمدن سازی اسلامی

آزمون	متغیر	طبقات	حجم نمونه	درصد پاسخ‌های مشاهده شده	سطح معناداری	نتیجه آزمون
توزیع دو جمله‌ای Binomeal	بعد ساختاری تمدن سازی اسلامی	≤ 3	۰	۰	.۰۰۰	تأیید H1
		> 3	۵۰	۱۰۰		
*P<0/05 ، **P<0/01 و N=۵۰						

به‌منظور بررسی اهمیت بعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی از معادل آزمون (T یک نمونه‌ای) در آزمون‌های ناپارامتریک یعنی آزمون توزیع دوجمله‌ای استفاده گردید. مطابق خروجی جدول، چون سطح معناداری کمتر از میزان خطای ۰۵٪/ محاسبه گردید، فرض H1 مورد تأیید واقع می‌گردد. این بدان معناست که مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی در بُعد مربوطه دارای اهمیت می‌باشد. فراوانی پاسخ‌ها در جدول بالا نیز مبین این است که تمامی اعضای جامعه پاسخ‌دهنده معتقدند که بعد مذکور دارای اهمیت زیاد و خیلی زیاد است.

تحلیل‌های عاملی گویه‌های پرسشنامه

در این قسمت به‌منظور بررسی این موضوع که آیا مؤلفه‌های احصاء شده با بُعد ساختاری مرتبط هستند یا خیر؟ از فن تحلیل عاملی استفاده می‌گردد. در اصطلاح ساده‌تر به این فرآیند، بررسی روایی سازه نیز می‌گویند. این فن یکی از فنون تقلیل داده بوده و از این شیوه برای تعیین بار عاملی هر یک از سؤالات پرسشنامه استفاده می‌شود. به‌طورکلی با بکارگیری این فن می‌توان مربوط بودن سؤالاتی که برای سنجش یک مؤلفه یا عامل در نظر گرفته شده‌اند، تعیین نمود که در این صورت به آن تحلیل عاملی تأییدی می‌گویند. در آزمون تحلیل عاملی چنانچه بار عاملی محاسبه‌شده کمتر از ۰۴/ به دست آید به معنای آن است که مؤلفه‌ها با بُعد ساختاری ارتباطی ندارند.

جدول ۴: بار عاملی بُعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی

مؤلفه‌ها	بار عاملی
وجود جریان انقلاب اسلامی در جامعه	۰۶۷۵/
ایجاد نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه	۰۵۶۱/
وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی	۰۴۲۴/
وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی	۰۶۲۸/
وجود بین‌الملل اسلامی	۰۷۸۷/

چنانچه در جدول فوق ملاحظه می‌شود بار عاملی تمام مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی بالاتر از ۰۴/ بوده و نشان‌دهنده ارتباط آن‌ها با بُعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی است. لذا در مرحله بعدی نسبت به تعیین رتبه هر یک از مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر در بُعد ساختاری اقدام می‌شود.

تحلیل‌های رتبه‌بندی اهمیت بُعد ساختاری تمدن‌سازی اسلامی

H0: اولویت اهمیت مؤلفه‌های بُعد ساختاری یکسان است.

H1: حداقل، اولویت دو مؤلفه از مؤلفه‌های بُعد ساختاری باهم متفاوت است.

جدول ۵: آزمون رتبه‌بندی (فریدمن) میانگین مؤلفه‌های بُعد ساختاری

رتبه میانگین	مؤلفه‌ها	ردیف
78/3	وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی	۱
77/3	وجود بین‌الملل اسلامی	۲
74/3	وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی	۳
46/3	وجود جریان انقلاب اسلامی در جامعه	۴
17/3	ایجاد نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه	۵
$Df = 5, N = 50, sig = 0 / 031, x^2 = 12 / 270$		

بر اساس خروجی جدول فوق، چون سطح معناداری کمتر از میزان خطای ۰/۰۵. به دست آمده، فرض H1 مورد تأیید واقع می‌گردد. این بدان معناست که اولویت همه مؤلفه‌های بُعد ساختاری یکسان نیست و از نظر اهمیتی که دارند باهم تفاوت معنادار دارند. میانگین تأثیر مؤلفه‌ها از بیشترین به کمترین در جدول نمایش داده شده است. این اولویت‌ها ناظر بر میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها بر ساخت تمدن نوین اسلامی از منظر خبرگان است لیکن در مقام بیان فرایند تمدن‌سازی و طی مراحل چنانچه گفته شد، تمدن‌سازی اسلامی با انقلاب اسلامی آغاز شده و برای تحقق تمدن نوین اسلامی، وجود انقلاب اسلامی یک جریان مستمر و دائمی خواهد بود. در واقع، توجه به استمرار جریان انقلاب اسلامی و لزوم کاسته نشدن از ارزش‌های انقلابی شرط لازم جهت تمدن‌سازی اسلامی خواهد بود. چراکه ویژگی‌های ساختاری انقلاب اسلامی از نظر سیاسی مبتنی بر رابطه امام و امت است و از نظر فرهنگی مبتنی بر ارتباط متن مردم با روحانیت و از نظر اقتصادی هزینه آن توسط خود مردم تأمین می‌شود.

در مرحله نظام‌سازی اسلامی علاوه بر نیاز به انقلاب اسلامی، برای ورود از مرحله نظام‌سازی اجمالی به نظام‌سازی تفصیلی نیازمند جنبش نرم‌افزاری هستیم که کارش طبیعتاً تولید علم است در مقیاس همان جایگاهی که در صدر اسلام داشت (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲-۲۳۱). لذا باید با جنبش نرم‌افزاری از اجمال به تفصیل رسید. انجام این امر مستلزم احساس نیاز و میل به نظام‌سازی تفصیلی

است که ضرورت دارد در تمامی این عرصه‌ها، الگوهای اسلامی پیشرفت مورد واکاوی قرار گیرند و برای نیل بدین مقصود باید مفاهیمی چون عرصه‌های پیشرفت مفهوم توسعه اسلامی، نقاط اشتراک و افتراق پیشرفت و توسعه و اهمیت دستیابی به الگوسازی‌های اسلامی پیشرفت، الزامات، شاخص‌ها و راهبردهای دستیابی به آن‌ها مورد بررسی قرار گیرند. در این راستا رهبر معظم انقلاب، وضعیت نامناسب برخی کشورهای دنبال‌کننده الگوهای غربی را در شاخص‌هایی نظیر بدهی‌های کلان مالی دولت‌ها، بیکاری، فقر و همچنین اختلاف طبقاتی شدید را نشانه‌هایی از ناکارآمدی الگوهای رایج دانسته و اذعان داشتند؛ پیشرفت‌های ظاهری این کشورها سبب ایجاد «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» نشده و باید الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی، تعریف و ارائه نمود و لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است (ناصری فر و عسکری ماسوله، ۱۳۹۶، ص ۲۲۰). بنابراین برای رسیدن به الگوهای اسلامی پیشرفت، علاوه بر تولید دانش و معرفت، باید ساز و کار اجرایی نمودن آن‌ها را با روش‌ها، ابزارها و قالب‌های اسلامی نیز فراهم نمود تا نظام‌های مختلفی که در یک تمدن مد نظر است؛ مانند نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، آموزشی، تربیتی و سایر خرده نظام‌ها با نظریه‌پردازی و تکمیل نواقص موجود، از طریق نهادسازی و کادرسازی زمینه اعتلای نظام‌های برآمده از تمدن نوین اسلامی را فراهم نمایند.

در این راستا برخی الزامات ساختاری نظام‌سازی اسلامی به شرح ذیل قابل بیانند: از نظر سیاسی: مجاری قانونی برای مشارکت مدنی در نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه تعریف شده است. از نظر فرهنگی: دستگاه‌های فرهنگی با مأموریت‌های مشخص غالب امور فرهنگی را تحت پوشش قرار می‌دهند. از نظر اقتصادی: نظام اقتصادی بر سه رکن اقتصاد دولتی، تعاونی و خصوصی پایه‌گذاری می‌شود. در اندیشه رهبری معظم انقلاب پس از نظام‌سازی اسلامی، دولت اسلامی یعنی تشکیل منش و روش دولت‌مردان به گونه اسلامی و اینکه تنها اسم دولت، اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری‌ها اسلامی باشد. معنای شعار دولت اسلامی این است که می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. لذا حکومت‌مداری اسلامی و دولت‌سازی اسلامی از آن جهت مهم است که ساختارها و روش‌ها در حقیقت روابطی هستند که کارگزاران درون آن روابط با یکدیگر در تعامل بوده و عمل می‌کنند و اگر حالتی را تصور کنیم که در آن حالت کارگزاران دارای ویژگی‌های

اسلامی بوده اما روش‌ها و ساختارها، برآمده از الگوهای سکولار باشند، عملاً این اقتضانات روابط و الگوهای سکولار است که خود را بر آرمان‌ها و مطلوبیت‌های نیروهای اسلام‌گرا تحمیل می‌کند و آنان را در چارچوب‌های تحمیلی خود محدود می‌سازد. در این صورت عملاً نهادها و ساختارهای نظام با نوعی تضاد درونی و دائمی بین نیروهای اسلام‌گرا و الگوهای سکولار مواجه خواهد بود. تضادی که یا به سرخوردگی، استحاله و یا حذف نیروهای اسلام‌گرا منجر خواهد شد و یا به تغییر روابط و الگوهای نظامات و نهادهای اداره نظام توسط نیروهای اسلام‌گرا و تحول‌خواه (سالاری، ۱۳۹۵). بنابراین بدون شکل‌گیری حکومت‌ها با حکمرانان اسلامی، تمدن نوین اسلامی به وجود نخواهد آمد و اساس تمدن‌سازی اسلامی نیز با شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی خواهد بود. لذا برقراری حکومت و دولت‌سازی اسلامی از مؤلفه‌های غیرقابل‌انکار تمدن‌سازی اسلامی است. بنا بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه جامعه به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند.^۱ لذا الزامات ساختاری دولت اسلامی را می‌توان این‌گونه تبیین نمود:

کارگزاران سیاسی: بر اساس «عزت، حکمت و مصلحت عمل»، حفظ استقلال و تقویت اقتدار جمهوری اسلامی عمل می‌نمایند. کارگزاران فرهنگی: با شناخت ابعاد جنگ نرم و خودباوری در توانمندی اسلام در ایجاد تحول فرهنگی، منسجم و هم‌افزا عمل نموده و فریب دسیسه‌های دشمن را در تهاجم فرهنگی نمی‌خورند. کارگزاران اقتصادی: با شناخت ترفندهای نظام سرمایه‌داری از یک‌سو شناخت ظرفیت‌های داخلی از سوی دیگر، همچنین با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در همراهی سیاسی و فرهنگی کشورهای دوست، در مسیر پویایی اقتصادی حرکت می‌نمایند.

همچنین رهبری معظم انقلاب برای جامعه‌سازی اسلامی با طرح موضوعاتی نظیر مردم‌سالاری دینی، «حکمت، عزت و مصلحت»، تقویت روحیه انقلابی و استکبارستیزی، نهضت نرم‌افزاری و جنبش تولید علم بومی، سند چشم‌انداز و ارائه گفتمان عدالت و پیشرفت و جهاد اقتصادی در راستای استقلال، خودکفایی و عدالت و نفی اشرافیت و کاخ‌نشینی در عرصه اقتصاد (موسوی، ۱۳۹۰) زمینه‌های لازم برای تحقق این مهم را فراهم آورده‌اند. نکته قابل‌ذکر در این مجال آن‌که در مورد

۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲

پیروزی انقلاب اسلامی تاریخ مشخصی وجود دارد و در مورد نظام اسلامی نیز مقطع خاص مربوط به تعیین کلیت نظام یعنی فراندوم جمهوری اسلامی و تعیین هندسه کلی نظام یعنی تدوین قانون اساسی و نیز فراندوم تأیید ملی آن مشخص است. اما در مورد دولت اسلامی و جامعه اسلامی شاید هیچگاه نمی‌توان چنین مرزبندی قائل شد و تحقق این دو مرحله تدریجی و نسبی خواهد بود و براساس اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این دو مرحله کاملاً پایاپای یکدیگر به‌پیش خواهند رفت. از طرفی باید توجه داشت که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی نیز تا زمانی که جامعه اسلامی تشکیل نشود به‌طور کامل محقق نخواهند شد و نظام زمانی صد درصد اسلامی خواهد شد که جامعه به معنای واقعی کلمه مسلمان شده باشد. چراکه عناصر تشکیل‌دهنده دولت اسلامی از میان همان مردمی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند تشکیل می‌شود. این نسبت در مورد دولت اسلامی رنگ بیشتری به خود می‌گیرد. چراکه گستردگی نهادهای اداره نظام بسیار بیشتر از مقومات اصلی و هندسه کلی نظام اسلامی است که فقط شامل قوای سه‌گانه، مجلس خبرگان ولی فقیه می‌شود (سالاری، ۱۳۹۵). بنابراین وجود جامعه کارآمد اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی به‌عنوان مقصد انقلاب اسلامی بوده و دارای ابعاد داخلی و خارجی می‌باشد و باید به کمک اصلاح قوانین و مقررات، نظام‌های مختلف اسلامی و دولت‌سازی اسلامی با بهره‌گیری از الگوهای اسلامی پیشرفت با تدوین ساختارهای مطلوب و مورد نیاز جامعه اسلامی شرایط را برای نیل به سوی تمدن نوین اسلامی فراهم ساخت.

الزامات ساختاری کشور اسلامی را بدین نحو می‌توان ترسیم نمود:

در عرصه سیاسی دوگانگی بین نهادهای ولایت محور و جمهوریت محور از بین رفته و دولت بوروکراتیک مانع ارتباط امام و امت نیست و مردم‌سالاری دینی به شکل کامل‌تری تحقق می‌یابد. در عرصه فرهنگی: با تولید علوم انسانی اسلامی و تسلط گفتمان عدالت و پیشرفت، انقلاب فرهنگی رخ داده و دستگاه‌های فرهنگی، قدرت تولید کالا و خدمات فرهنگی را بر اساس فرهنگ غنی اسلامی پیدا کرده‌اند و سبک زندگی اسلامی در کشور، نهادینه شده است. در عرصه اقتصادی: با حاکمیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نظام اقتصادی در عین تکامل سازنده با دنیا، بنیان‌گذار ساختار اقتصادی نوین نه بر اساس حرص و استعمار بلکه بر اساس ارتقاء کرامت انسان و عمران محیط^۱ است.

بین‌الملل اسلامی: بعد از بیان مراحل مختلف تمدن سازی اسلامی، پس از جامعه سازی اسلامی و تشکیل کشور اسلامی سرانجام نوبت به جهانی سازی تمدن اسلامی در سطح بین‌الملل می‌رسد که مبین توسعه عرضی تمدن اسلامی است. همان‌طور که گفته شد تحقق تمدن نوین اسلامی در سطح بین‌الملل، مستلزم وقوع آن در یک جامعه الگو پیشرو می‌باشد که مؤلفه‌های ساختاری آن ذکر شد. در این راستا گرچه شرایط مختلفی مانند؛ شرایط تاریخی، جغرافیایی، انسانی، فرهنگی، سرزمینی، زمانی و مکانی در ایجاد الگوهای پیشرفت تأثیر دارند. لیکن ممکن است یک الگوی پیشرفت برای کشوری مطلوب و همان الگو برای کشور و اقلیمی دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، الگوی واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که بتوان همه اجزای آن را ایجاد و درکشوری پیاده کرد (علایی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). اما آنچه مهم است وجود فرهنگ اسلامی در فضای عمومی بشریت است. چنانچه مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۱ وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن‌وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.^۲ از این منظر یکی از مؤلفه‌های ساختاری تمدن سازی اسلامی، شکل‌گیری بین‌الملل اسلامی است. چنانچه فضای عمومی نظام بین‌الملل به سوی ارزش‌های اسلامی باشد، زمینه‌های رشد و اعتلای تمدن اسلامی نیز فراهم خواهد آمد. به‌ویژه در جهان اسلام همگرایی‌های همه‌جانبه سبب رسیدن به این هدف می‌گردد. بنابراین لازم است ضمن طراحی و ارائه الگوی حکومت اسلامی برای کشورهای مسلمان اهل سایر فرق اسلامی؛ به‌ویژه کشورهای درگیر نهضت بیداری اسلامی با شناسایی چالش‌ها و موانع شکل‌گیری اتحاد امت اسلامی نسبت به فراهم آوردن مقدمات تحقق تمدن نوین اسلامی در سطح بین‌الملل تلاش نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

تحقق تمدن نوین اسلامی در سطح بین‌الملل به‌عنوان هدف مطلوب انقلاب اسلامی مستلزم تأمین اهداف مقدماتی و متوسط انقلاب یعنی نظام سازی اسلامی، دولت سازی اسلامی و جامعه سازی

۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۱

اسلامی به‌عنوان مؤلفه‌های ساختار ساز برای تمدن‌سازی اسلامی محسوب می‌گردد. تمدن‌ها بدون وجود جریان مستمر انقلاب که حاکی از وجود نظام تغییر و بهبود است امکان ادامه حیات نخواهند یافت و در فرایند ساختار ساز تمدن اسلامی همه مؤلفه‌های احصاء شده در مراحل گوناگون تمدن‌سازی اسلامی وجود دارند و این‌طور نیست که یک مرحله شروع و پایان یابد و سپس مرحله بعدی آغاز شود. بدین معنا که اول نظام‌سازی اسلامی محقق شود، بعد دولت‌سازی نمایم تا جامعه‌سازی اسلامی اتفاق بیفتد بلکه با وقوع انقلاب اسلامی، تمدن‌نویین اسلامی در تمام مراحل آن آغاز شده و مؤلفه‌های مختلف ساختاری تمدن‌سازی اسلامی به‌صورت زنجیره‌ای پیوسته در تعامل با یکدیگرند و از هم جدا نیستند. لیکن مراحل مختلف نیاز به تثبیت و تکمیل دارند تا به‌تدریج ساختار تمدن‌نویین اسلامی مستحکم گردد. از طرفی تحقق عینی مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی نسبی است یعنی اگر جامعه اسلام‌خواه نباشد، هیچکدام از مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی مانند تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی برای تحقق تمدن‌نویین اسلامی محقق نخواهد شد. در این تحقیق مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی احصاء گردید و بر اساس ادبیات نظری موجود و احصاء نظرات خبرگان، گویه‌های؛ وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی، وجود بین‌الملل اسلامی، وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی، وجود جریان انقلاب اسلامی و ایجاد نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه به ترتیب اولویت از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری در تمدن‌سازی اسلامی برآورد شدند.

ب: پیشنهادها

الزامات و ویژگی‌های تفصیلی هر یک از مؤلفه‌های ساختاری احصاء شده به‌طور جداگانه مورد فحص و بررسی محققان قرار گیرد. در تحقیقات بعدی، مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در عرصه‌های رفتاری و زمینه‌ای بر اساس مدل سه‌شاخگی نیز مورد فحص و بررسی قرار گیرند. الگوی جامع تمدن‌نویین اسلامی توسط نخبگان و اندیشمندان تدوین گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقا بخشی، علی؛ افشاری راد، مینو، (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ دوم.

۳. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، مجموعه بیانات قابل دسترس در سایت www.khamenei.ir.
۴. بروجردی، مصطفی، (۱۳۸۸)، گسترش و نوسازی تمدن اسلامی، عوامل و موانع، مندرج در گزیده مقالات چهارمین کنفرانس تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی-ره- (تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی-ره-)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ سوم.
۵. بهمن، شعیب، (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی- ایرانی از افول تا احیا، تهران، تیسرا.
۶. پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن، تهران، نی.
۷. پیروزمند، علی‌رضا، (۱۳۹۰)، مردم‌سالاری دینی: میثاقی با امام جامعه- نظام‌سازی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، قابل دسترس در مجله سوره اندیشه، شماره ۵۶ و ۵۵.
۸. تابان، محمد، شیری، اردشیر، اکبرنژاد، مهدی، یوسفیان، صفورا، (۱۳۹۵)، نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی، پژوهش‌های علم و دین، سال هفتم، شماره ۲.
۹. تافلر، الوین، (۱۳۷۰)، موج سوم، ترجمه: شهین‌دخت خوارزمی، تهران، چاپ آسمان، چاپ پنجم.
۱۰. تافلر، الوین، هایدی، (۱۳۷۶)، به سوی تمدن جدید، ترجمه: محمدرضا جعفری، تهران، سیم‌غ.
۱۱. جان‌احمدی، فاطمه، (۱۳۹۳)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دانشگاه‌ها (معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی)، انتشارات معارف.
۱۲. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۵)، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خاکرند، شکرالله، (۱۳۹۰)، سیر تمدن اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۴. دورانت، ویل و آریل، (۱۳۸۴)، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه: احمد بطحایی، خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. زمانی‌محبوب، حبیب، (۱۳۹۵)، نوسازی تمدن اسلامی، مندرج در تمدن پژوهی، مطالعات

مفهومی تمدن اسلامی، تهران، جامعه شناسان.

۱۶. سالاری، محمدمهدی، (۱۳۹۵)، جایگاه واژه‌سازی و نهادسازی در تأسیس تمدن بزرگ اسلامی، قابل دسترس در سایت www.pajoohi.ir.

۱۷. طاهرزاده، اصغر، (۱۳۸۹)، تمدن‌زایی شیعه، اصفهان، گروه فرهنگی المیزان، چاپ پردیس معنوی.

۱۸. عرفان، امیرمحسن، (۱۳۹۳)، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.

۱۹. علایی، حسین، (۱۳۹۰)، مؤلفه‌های تأثیر گذار بر تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با توجه به تجربیات دوران دفاع مقدس، سیاست دفاعی، شماره ۷۴.

۲۰. غفاری هشیجین، زاهد و خاکی، حسن ناصر، (۱۳۹۴)، مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

۲۱. غلامی، رضا، (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، سوره مهر.

۲۲. لوئیس، برنارد، (۱۳۸۴)، برخورد فرهنگ‌ها، ترجمه: بهمن‌دخت اویسی، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم.

۲۳. متولی امامی، سید محمدحسین، (۱۳۹۴)، جستارهایی نظری در باب تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.

۲۴. مرکز مطالعات راهبردی ناجا، (۱۳۹۵)، نظم و امنیت در رویکرد تمدنی با تأکید بر تمدن نوین اسلامی، تهران، مرکز مطالعات راهبردی ناجا.

۲۵. مشکانی سبزواری، عباسعلی و الویری، محسن (۱۳۹۰)، درآمدی بر ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳.

۲۶. مطهری، سید مرتضی، (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ج ۷ و ۲.

۲۷. مطهری، سید مرتضی، (۱۳۸۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ دهم، ج ۱۵.

۲۸. موسوی، سید مهدی، (۱۳۹۰)، جامعه‌سازی اسلامی، مجله حوزه، قابل دسترس در سایت

www.tebyan.net

۲۹. میرزایی اهرنجانی، حسن، (۱۳۷۷)، سازمان‌های عقلایی، طبیعی و باز، تهران، سمت.
۳۰. ناصحی‌فر، وحید و عسکری ماسوله، سعید، (۱۳۹۶)، تبیین مدل توسعه منابع انسانی مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مدیریت فردا، شماره ۵۱.
۳۱. نجفی، موسی، (۱۳۹۱)، تفکر و تمدن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۲. نجفی، موسی، (۱۳۸۸)، انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
۳۳. نجفی، موسی، (۱۳۹۴)، «فلسفه تحول تاریخ» در شرق و غرب تمدن اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۴. نصر اصفهانی، احمد رضا؛ زمانی، بی‌بی عشرت و دهقانی، مهدی، (۱۳۸۹)، ارتباط تمدن سازی دینی با نهضت تولید علم با نگاهی راهبردی، مجله مجموعه مقالات تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معرف اسلامی، شماره ۱.
۳۵. نصر، سیدحسین، (۱۳۸۵)، اسلام- مذهب تاریخ و تمدن، ترجمه: عباس گیلوری، تهران، نشر روزبهان.
۳۶. همتی، همایون، (۱۳۹۰)، رابطه دین و تمدن، مجله روابط فرهنگی (ویژه‌نامه نهمین هم‌اندیشی نمایندگان فرهنگی ج.ا.ا در خارج از کشور)، شماره ۱.
37. Abul Ala Mawdudi, 1968, Political Theory of Islamic Publication Ltd, Lahore.
38. Williams, Rhysh(2005), "religion as a cultural system: theoretical and empirical developments since Geertz", In the blackwell companion to sociology of religion, newyork: blackwell.
39. www.article.tebyan.net/193048.
40. www.pajoohe.ir/62009.
41. www.khamenei.ir